

متن زیر (تاریخ جنبش کارگری ایران) از بی بی سی پرسن دات کام با تلخیص گرفته شده است.

تاریخ جنبش کارگری ایران

تهیه و تنظیم : سیا وفایی

فروپاشی نظام زمین داری و نظام اقتصاد سنتی در ایران در دوران قاجار کشور را از نظر اقتصادی دچار بحران کرد. بسیاری از دهقانان و کشاورزانی که تا آن زمان با تولید محصولات کشاورزی زندگی شان را می گذراندند با بیکاری و فقر روبرو شدند و از سوی دیگر پیشه وران جزئی که، با فروش محصولات خود معاششان را تامین می کردند تدریجا "وسیله ی درآمد خود را از دست دادند. و تعداد روزافزونی از هر دو گروه به نیروی کاری پیوستند. از آن جا که شرایط مناسب برای اشتغال این نیروی کار عظیم در داخل ایران به اندازه ی کافی فراهم نبود، بسیاری از کسانی که در جستجوی کار بودند به کشورهای دیگر از جمله هندوستان، ترکیه، و روسیه ی تزاری مهاجرت می کردند. خسرو شاکری محقق، تاریخ شناس و استاد دانشگاه توضیح می دهد: مهاجرت کارگران ایرانی به منطقه ی قفقاز و هم چنین آسیای مرکزی به این علت است که در بین سال های ۱۸۵۰ میلادی تا اوایل قرن بیستم، در این دوران اقتصاد ایران دچار دگرگونی کامل می شود و اجناس ایرانی رقیب قوی پیدا می کنند که بیشتر از انگلستان و روسیه می آید. این اجناس جانشین تولیدات ایرانی می شود. کارگاه های تولیدی ایران در اصفهان، شیراز و کاشان و شهرهای دیگر یا کالا" از بین می روند یا بسیار ضعیف می شوند. بنابراین صنعت گران ایرانی بیکار می شوند. ایران به یک بازار تولید کننده ی مواد خام کشاورزی برای بازار جهانی تبدیل می شود. دهقان و صنعت گر بیکار مجبور به مهاجرت می شوند آنچه از وضعیت مهاجران ایرانی در روسیه و به ویژه در منطقه ی قفقاز در منابع رسمی و یا یادداشت های شخصی به ثبت رسیده نشان می دهد که آنها در وضعیتی طاقت فرسا به سر می برند و از نظر مالی غالباً در مضیقه بودند. به عنوان مثال در سال ۱۲۷۴ شمسی، کنسول ایران در باکو به دولت ایران اطلاع داد "که حدود ۲۰ هزار ایرانی تبار تهیدست و گرسنگی کشیده در باکو زندگی می کنند". بسیاری از این مهاجران به کارهای کم درآمدي از قبیل کشاورزی و باربری و یا مزدوری در کارخانه ها و دیگر بنگاه های صنعتی اشتغال داشتند. اما با گذشت زمان تعداد ایرانیانی که در مراکز صنعتی

سرگرم کار بودند افزایش یافت به عنوان مثال تعداد کارگران ایرانی در صنعت نفت باکو در سال ۱۲۷۲ شمسی کمی بیش از ۱۱ درصد بود که ده سال بعد به بیش از ۲۲ درصد افزایش پیدا کرد. خسرو شاکری: "کارگران ایرانی در قفقاز اکثراً از نظر سیاسی ناآگاه و بدون تجربه بودند. از طرف دیگر به دلیل شرایط نامساعد زندگی شان، حاضر به قبول هر کاری، حتی با دستمزد های بسیار پایین می شدند. که خود به بازار کار کشور میزبان تاثیر می گذاشت. حتی در مواردی از کارگران ایرانی برای شکستن اعتصاب کارگران خودی استفاده می شده است." با این وصف کارگران ایرانی در قفقاز رفته رفته با مسائل سیاسی و سازمانی آشنا شدند. تماس و آشنایی آن ها با جنبش های کارگری در منطقه ی قفقاز و روسیه، میزان آگاهی آن ها از حقوق شان را افزایش داد. شرکت آن ها در بعضی از اعتصاب ها در اسناد دولتی به ثبت رسیده است. در سال ۱۲۸۵ شمسی حدود ۲۵۰۰ کارگر ایرانی معادن مس اله وردی در ارمنستان گروه اصلی اعتصابیون را تشکیل دادند. و در تابستان همان سال، کارگران ایرانی به همراه کارگران روس ها و قفقاز در کارخانه ی نساجی سرمایه دار ایرانی تبار تقی یف دست به اعتصاب زدند. و از کنسول ایران خواستند که به نفع آن ها مداخله کند. با سیاسی شدن کارگران مهاجر ایرانی در خارج از کشور به ویژه آن دسته از کارگران که در فصول خاصی در ایالت های امپراطوری روسیه کار می کردند و بقیه ی سال را به ایران باز می گشتند. کارگران داخل کشور نیز تدریجاً با عقاید سیاسی و افکار رادیکال از جمله تشکیل سازمان های کارگری برای دفاع از حقوق شان آشنا شدند. خسرو شاکری: "کارگران ایرانی چون خیلی مستأصل هستند، حاضر هستند به هر دستمزدی کار کنند و صاحب کاران در این منطقه ایرانی ها را استخدام می کنند و کارگران محلی را استخدام نمی کنند و این موجب می شود که کارگران محلی بیکار بشوند. احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری روسیه سعی می کنند ایرانی ها را سندیکالیزه بکنند. در اتحادیه های شکل بدهند. به همین دلیل ایرانی ها سیاسی می شوند. و انگیزه ی سیاسی شدن و سندیکایی شدن وارد ایران می شود." اولین اتحادیه کارگری در ایران که وجود آن به ثبت رسیده است در خرداد ۱۲۸۹ شمسی و توسط کارگران یک چاپ خانه تشکیل شد. این برای مدت کوتاهی ارگان خود را به نام اتفاق کارگران منتشر می کرد. نخستین اعتصاب ثبت شده ی کارگران در ماه های پیش از انقلاب مشروطیت در

سال ۱۲۸۵ صورت گرفت. که در آن ماهیگیران بندر انزلی در اعتراض به قیمت های پایینی که برای صیدشان پرداخت می شد، اعلام کردند که از آن به بعد صید خود را تحویل نخواهند داد، بلکه خود مستقیماً آن را خواهند فروخت. در مورد اینکه آیا با مطالبات ماهیگیران موافقت شد یا نه اسناد تاریخی موجود نیست. آشنا شدن کارگران ایرانی با افکار سیاسی سوسیال دمکرات های قفقاز آن ها را به تشکیل یک حزب سوسیال دمکرات یا اجتماعيون عاميون در ایران تشویق کرد. این حزب در سال ۱۲۹۹ شمسی تاسیس شد و تا دایر شدن حزب کمونیست در سال ۱۳۲۰ شمسی فعال بود. حزب سوسیال دمکرات، توسعه و تشکیل جنبش های کارگری در سراسر کشور را از جمله اهداف خود قرار داد. مازیار بهروز پژوهشگر تاریخ و استاد دانشگاه: "کارگرانی که در قفقاز کار می کردند به وسیله ی حزب سوسیال دمکرات روسیه که در میان کارگران نفوذ زیادی داشت، جذب شدند. بنابراین جنبش کارگری ایران تحت تاثیر جنبش کارگری روسیه قرار گرفت. وقتی که جنبش مشروطیت در ایران اوج گرفت، افکار سوسیالیستی از طریق روسیه به ایران منتقل شد و سبب تشکیل حزب اجتماعيون عاميون در ایران شد. درست یک سال قبل از انقلاب مشروطیت که نشان دهنده ی رشد این نوع تفکر در ایران است. اما تاثیر افزایش میزان آگاهی و آشنایی کارگران با افکار سیاسی و رادیکال بر جنبش مشروطه طلبی تا چه حد بود؟ با توسعه دامنه ی جنبش مشروطه طلبی در ایران، آن دسته از کارگران محرومیت کشیده ای که یا در جستجوی کار به روسیه و قفقاز رفته بودند و یا در نتیجه ی تماس با کارگران آگاه تر و یا گروه های سیاسی تازه شکل گرفته، خود گرایشات سیاسی یافته بودند، با دست زدن به اعتصاب و یا پیوستن به فعالان سیاسی نقش انکار ناپذیری در جنبش مشروطه طلبی بازی کردند. خسرو شاکری": از همان سال های آخر قرن نوزدهم کارگران آهسته آهسته سیاسی می شدند و در سندیکا های کارگری و اعتصاب های کارگری شرکت می کردند و معمولاً "زمستان ها به ایران می آمدند و از تجربیات خود برای دوست و آشنا و همکاران خود تعریف می کردند. و در داخل ایران هم همزمان با انقلاب مشروطیت یک سری اعتصاب رخ می دهد. این اعتصاب ها توسط کسانی انجام می گیرد که واقعا" در قفقاز نبودند. مهمترین آن ها کارگران چاپ خانه ی روزنامه ها بودند. اولین اعتصاب کارگران چاپ خانه در سال ۱۹۰۹ میلادی بعد از سقوط محمد علی شاه انجام می دهند و تمام

ارتباطات دولتی را قطع می کنند. و دولت عقب نشینی می کند. و بعد اعتصاب های دیگری در تهران و رشت و نقاط دیگر در دوره ی مشروطیت رخ می دهد. " علاوه بر تاثیر کارگران اعتصابی بر پیشرفت جنبش مشروطیت در ایران، فعالان سیاسی که به نام مجاهد از قفقاز و روسیه به ایران می آمدند، نقش بسیار موثری در باز گرداندن مشروطیت بازی کردند. هدف این گونه سازمان ها که در روسیه ی تزاری به وجود آمده بودند و مخفیانه فعالیت می کردند، احقاق و دفاع از حقوق کارگران بود. خسرو شاکری: " عمده ی نیروی مجاهدین صرف دفاع از مشروطیت می شود. بعد از کودتای ماه ژوئن سال ۱۹۰۸ میلادی که محمد علی شاه انجام می دهد و مجلس را بمباران می کند و ستارخان بلافاصله در تبریز قیام می کند. و مجاهدین به ایران می آیند. اولین مجاهدین که ایرانی هم نیستند وارد ایران می شوند. اینها از نظر فنی آدم های قادر و توانایی هستند. و راهنمایی های نظامی خیلی خوبی می کنند و به خوبی می جنگند. و دفاعی که در تبریز توسط ستارخان انجام گرفت با حمایت مجاهدین قفقازی و ایرانی صورت گرفت. و همچنین حمایت از قیام مردم رشت در فوریه ۱۹۰۹ میلادی در حمله به تهران و تصرف آن و استقرار مجدد مشروطه. " پیروزی جنبش مشروطیت منجر به آرام شدن اوضاع پر تلاطم سیاسی و اقتصادی کشور نشد. فراز و نشیب های سیاسی هم چنان ادامه داشت. با آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۲ شمسی نیز اوضاع اقتصادی کشور را وخیم تر کرد. کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ شمسی و کشمکش های سیاسی چهار سال بعد به خلع احمد شاه قاجار از سلطنت و پایان سلسله ی قاجار انجامید. در این دوران فعالیت های سیاسی تا اندازه ی رونق گرفته بود. اما به دلیل وضع نابسامان اقتصادی و عدم توسعه ی بخش صنعتی کارگران در وضعیت بسیار بد به سر می بردند و در نتیجه جنبش های کارگری نیز تقریباً متوقف شده بودند. مازیار بهروز: " وضعیت طبقه ی کارگر در پایان جنگ جهانی و کودتای رضاخان از نظر اقتصادی خوب نیست. در دوران جنگ قحطی شدیدی سبب نابودی بخش بسیار زیادی از جمعیت می شود. بین سال های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵ موقعی که رضاخان کودتا می کند تا انقراض سلطنت قاجار یک مقدار فعالیت های سیاسی در ایران گسترش پیدا می کند و وضعیت اقتصادی ایران هم چنان خیلی وخیم است. یک مقدار از نظر امنیت اوضاع رو به بهبود می رود. در این دوران دو حزب چپ در ایران فعالیت می کنند یکی

حزب کمونیست ایران و دیگری حزب سوسیالیست ایران، که برنامه های شان از جهتی به هم نزدیک است و این دو حزب سعی می کنند که در واقع کارگر های شهری را حول خواسته های اقتصادی و بعضاً "سیاسی سازماندهی بکنند و تا حدودی هم موفق هستند." رضاخان از همان ابتدای به دست گرفتن قدرت، سندیکا های کارگری را به رسمیت نشناخت و فعالیت آنها را غیر قانونی اعلام کرد. نشریات وابسته به این سندیکا ها به مرور زمان توقیف شدند در نتیجه اتحادیه های کارگری ناچار شدند به طور مخفیانه به فعالیت های خود ادامه بدهند. اعتصاب گروه بزرگی از کارگران مناطق نفتی در سال ۱۳۰۸ شمسی با شکست روبرو شد و ۵۴ تن از فعالان کارگری دستگیر و زندانی شدند. در آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین و سقوط رضاخان، فضای سیاسی ایران تغییر کرد و آزادی بیشتری در جامعه برقرار شد. سندیکا ها و اتحادیه های کارگری که بین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شمسی امکان فعالیت و مبارزه ی علنی نداشتند، بار دیگر امکان رشد و فعالیت یافتند و در سال ۱۳۲۰ سندیکا های متعددی تشکیل شد. با توسعه ی سرمایه داری دولتی و رشد صنایع داخلی در ایران تعداد کارگران نیز در سراسر کشور بالا رفته بود و پس از سقوط رضاخان فعالیت های اتحادیه های کارگری نیز شدت یافت. در سال ۱۳۲۳ شمسی با پیوستن سه اتحادیه ی کارگری، شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمت کشان ایران تشکیل شد. این شورا موفق شد در طی مدت کوتاهی بخش عمده ای از کارگران ایران را به عضویت خود در آورد. این شورا از سال ۱۳۲۴ شمسی به نام کارگران خواسته های زیر را مطرح کرد: "کار- قانون بیمه ی کارگران- آزادی بیان و اجتماعات." دولت در سال ۱۳۲۳ شمسی لایحه ی قانون کار را تنظیم و برای تصویب به مجلس چهارم ارائه داد. اما مجلس لایحه را تصویب نکرد و دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۵ به دنبال اعتصاب گسترده ی کارگران نفت جنوب و اعلام هم بستگی سایر کارگران صنعت نفت با کارگران اعتصابی، قانون کار به تصویب مجلس رسید. قانون کار شامل موارد زیر بود: ۱- هشت ساعت کار روزانه ۲- ۳۵ درصد اضافه حقوق ۳- تشکیل صندوق تعاونی ۴- قبول تعطیل رسمی کارگران در روز اول ماه مه با پرداخت دستمزد آن روز. شرکت نفت ایران و انگلیس از اجرای این قانون سربازد و عده ای از کارگران این شرکت را اخراج کرد. در واکنش به چنین اقدامی کارگران صنعت نفت تهران و

سپس آبادان نیز دست به اعتصاب زدند. دولت در آبادان حکومت نظامی اعلام کرد. عده ای از کارگران نفت در درگیری هایی که بین آن ها و نیروهای مسلح در گرفت، کشته شدند. با مطرح شدن موضوع ملی شدن در سال شمسی ۱۳۲۹، کارگران نفت بار دیگر دست به اعتصاب هایی زدند که این بار برای صنعت نفت سرنوشت ساز بود. در فروردین سال بعد (۱۳۳۰) چند روز پس از به روی کار آمدن حسین اعلا به عنوان نخست وزیر، کارگران نفت در بندر مشعور یا ماه شهر دست به اعتصاب زدند که در جریان آن، درگیری های خونینی بین نیروهای دولتی و کارگران روی داد. دامنه ی اعتصاب به سرعت از بندر ماه شهر گذشته و به شهر های دیگر و به گروه های غیر کارگری نیز کشیده شد به عنوان مثال دانشجویان دانشگاه تهران و هم چنین کارگران در اصفهان و رشت به نشانه ی همدردی دست به اعتصاب زدند و در بعضی موارد در زدو خورد هایی که بین نیرو های شهربانی و اعتصابیون در گرفت افرادی کشته و یا زخمی شدند سرانجام در اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی مجلس به اتفاق آرا لایحه ی ملی کردن نفت را به تصویب رساند و محمد مصدق را نامزد نخست وزیری کرد. یداله خسرو شاهی کارگر سابق شرکت نفت و از نمایندگان و اعضای سندیکای پالایشگاه نفت می گوید: "در آن مقطع، اعتصاب کارگران صنعت نفت، کمک اساسی به پیشبرد ملی کردن صنعت نفت کرد. در سراسر ایران و به خصوص در خوزستان که اعتصاب یک پارچه بود، باعث شد، بدون توجه به دولت انگلیس که ناوگانش را وارد خلیج فارس کرده بود و ایران را تهدید می کرد، ملی شدن صنعت نفت، اعلام شود." حزب توده در سال ۱۳۲۷ شمسی غیر قانونی و شورای متحده ی مرکزی کارگران نیز در همان سال منحل شده بود و اعتصاب های کارگران نفت بعد از آن تاریخ عمدتاً خود جوش و مستقل بود. آقای خسرو شاهی: "در این زمان اعتصاب های کارگری سازمان دهی شده نبود، اما توانست با موفقیت به پیش برود. و خواست اصلی ملی شدن نفت را به دولت انگلیس بقبولاند." از کودتای مرداد ۱۳۳۲ تا سال های اول دهه ی ۱۳۴۰ شمسی فعالیت های کارگری بسیار محدود و پراکنده بود و در همین دوران بود که دولت محمد رضا پهلوی به نخست وزیری منوچهر اقبال در سال ۱۳۳۷ قانون کار جدیدی را در مجلس به تصویب رساند و جای قانون کاری را می گرفت که به دنبال مبارزات کارگری در دهه ی بیست شمسی به تصویب رسیده بود. در عین حال رشد صنایع داخلی در دهه ی ۴۰ زمینه ی مناسبی

برای توسعه ی طبقه ی کارگر ایجاد کرده بود. اسداله صادقی دبیر پیشین سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران می گوید: "در دهه ی ۴۰ طبقه ی کارگر رشد زیادی کرد. بر اساس آماري که موجود است کل طبقه ی کارگر صنعتی تولید کننده به اضافه ی کارکنان بخش حمل و نقل در سال ۱۳۵۵ شمسی یعنی سه سال بعد از کودتا، حدود ۱/۲ میلیون نفر بودند. این رقم در ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۵ به ۲/۵ میلیون نفر رسید و در سال ۱۳۵۵ تعداد کارگران ۳/۳ میلیون نفر فقط در بخش صنایع تولیدی و حمل و نقل کار می کردند" در دهه ی ۴۰ شمسی فعالیت سندیکاها (دولتی) آزاد شد. و هر کارگری که عضو این سندیکاها می شد، باید سلسله مراتب خاصی را طی می کرد. یداله خسرو شاهی: "کارگرانی که کاندید نمایندگی سندیکا می شدند ابتدا یک فرم چهار صفحه ای را پر می کردند و یک ماه قبل آن را به وزارت کار می فرستادند. در آن سؤال شده بود که تا کنون به زندان رفته ای؟ فامیل ارتشی داری؟ و بعد از ۱۵ روز وزارت کار کسانی را که صلاح می دانست، تایید می کرد. بعد از انتخاب افراد بود که ساواک به سراغ منتخبین می رفت و دستورات لازم را به آنها می داد، که چگونه مسائل کار و کارگری را پیش ببرند و مشکلات را با ساواک در میان بگذارند." سازمان کارگران ایران که در اواسط دهه ی ۴۰ توسط دولت تشکیل شد، سعی می کرد که کنترل دولت بر محیط های کارگری را گسترش دهد. و کارگرانی که عضو این سازمان می شدند، وابسته به حزب رستاخیز می شدند. در این شرایط بود که در سال ۱۳۵۷ شمسی به دنبال تحولات سیاسی که در جامعه به وجود آمده بود و فضای باز تری ایجاد شده بود، کارگران صنایع گوناگون جرات آن را پیدا کردند که تقاضاها و مطالبات خود را علناً به زبان بیاورند و سرانجام پس از ماه ها کشمکش، کارگران صنعت نفت به دولت محمد رضا پهلوی هشدار دادند که چنانچه تا یک ماه بعد به خواسته های آنها موافقت نکنند تولید نفت را متوقف خواهند کرد و در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بود که اعتصاب کارگران نفت آغاز شد و کشور را از نظر اقتصادی فلج کرد. به دنبال اعتصاب کارگران نفت، کارگران دیگری مانند سیمان سازی، ماشین سازی، ذوب آهن، تولید کنندگان کفش و فلز کاران و بسیاری دیگر به اعتصاب پیوستند. کارگران بسیاری از صنایع، شورا های کارگری تشکیل دادند. که فعالیت ها و مبارزات آنها را سازماندهی می کرد. در آن دوران شوراها بر خلاف سندیکاها محدودیت های قانونی نداشتند و برای

کارگرانی که به تدریج به دامنه‌ی قدرت خود واقف می‌شدند. شوراها تنها راه رسیدن به موفقیت و رسیدن به پیروزی بودند. یداله خسرو شاهی از اعضای شورا‌های کارگران نفت: "سندیکا محدودیت‌های قانونی داشت و شوراها دیگر هیچ‌گونه محدودیتی نداشت، شورا به طرف قدرت حرکت می‌کردند. در سندیکا هم چنین مسئله‌ای وجود نداشت. ذهن ما این بود که سندیکا چیزی است، که در چارچوب سرمایه‌داری کار می‌کرد. و در محدوده‌ی قانون باید کار کند." پیروزی انقلاب ۵۷ بدون همکاری و مشارکت کارگران صنایع امکان‌پذیر نمی‌بود. این پیروزی به آنها ثابت کرد که می‌توان با نیروی خود در شکل‌گیری وقایع سهم داشتند. تحولات مبارزات کارگران ایران پس از انقلاب سال ۵۷ را می‌توان به چند دوره‌ی مشخص تقسیم کرد. اولین دوره که با سرنگونی محمد رضا پهلوی آغاز شده بود با شروع جنگ ایران و عراق در شهریور ۱۳۵۹ شمسی به پایان رسید. در این دوره فضای سیاسی بازتری در جامعه ایجاد شده بود. بحث‌های سیاسی متنوعی در جامعه در جریان بود. احزاب گوناگونی تشکیل شده بود و کارگران نیز مانند سایر افراد جامعه در صحنه‌ی اجتماع حضور داشتند در این دوره در محیط‌های کار تشکل‌های مستقل بسیاری به نام شورا به وجود آمده بودند. شوراها در دستور کار خود وظایفی فراتر از اتحادیه‌ها و یا سندیکاها قرار می‌دادند. به عنوان نمونه بعضی از شوراها، مدیر کارخانه‌ها را برکنار می‌کردند. در این دوران شورا‌های کارگری بسیار زیاد و پرقدرتی به وجود آمدند که در زندگی کارگران و تحولات جامعه به عنوان یک نیرو نقش آفرین شدند. دوره‌ی بعدی، دوره‌ی یک ساله است که از شروع جنگ ایران و عراق در تابستان ۵۹ تا اواسط سال ۶۰ شمسی که فشارهای ناشی از جنگ به جامعه منتقل شد و در محیط کار نیز خانه‌ی کارگر در صدد منحل کردن شوراها برآمد. خانه‌ی کارگر که در دهه‌ی ۴۰ در زمان محمد رضا شاه به نام سازمان کارگران ایران ایجاد شده بود، پس از انقلاب اداره‌ی آن به دست طرفداران جمهوری اسلامی افتاده بود، شوراها و سندیکا‌های کارگری مستقلی را که تا آن زمان به وجود آمده بودند غیر اسلامی می‌دانست و خواهان منحل شدن تمامی آنها بود. و موفق شد تا حدود زیادی محیط کار را میلیتاریزه کند. دوره‌ی سوم از تابستان سال ۱۳۶۰ شمسی آغاز شد در این دوره بود که حکومت خود را تثبیت کرد و اپوزیسیون سرکوب شد و فشار بر جامعه و بر محیط

هاي کار افزایش یافت و قانون بسیج جنگي نیز در همین ایام به تصویب رسید و طبق آن ۲۰ درصد کارگران موظف بودند که به جبهه بروند. و همین امر سبب شد بسیاری از کارخانجات به ساختن کالا هاي مورد نیاز جنگ به پردازند و يك اقتصاد جنگي پدیدآمد. و به بهانه ي جنگ هر گونه اعتراض کارگري سرکوب مي شد. با این وصف از همان اواسط دهه ي ۶۰ يعني در همان دوران جنگ اعتراضات کارگري آرام آرام افزایش پیدا کرد. آن ها اعتراضات خود را به اشکال مختلف مانند کم کاري و یا سر باززدن از رفتن به جبهه ي جنگ نشان مي دادند. و اعتصاب ها نیز در همین دوره صورت گرفت. دوره ي چهارم بعد از پایان جنگ ایران و عراق است. یا پایان جنگ ۸ ساله ي ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ شمسي روند بازسازي اقتصاد کشور آغاز شد. در این دوران طرح تعدیل نیروي انساني در کارخانجات اجرا شد. و منجر به بیکار شدن عده ي زيادي از کارگران شد، که از حق بیمه ي بیکاري و بیمه هاي اجتماعي برخوردار نبودند. بین سال هاي ۱۳۵۸ و ۱۳۶۹ شمسي ایران عملاً "داراي قانون کار نبود. طرح و تصویب قانون کار جدید بیش از ده سال به طول انجامید. طرح دولت بني صدر راه به جايي نبرد. طرح احمد توکلي وزير کار در سال ۱۳۶۰ با مخالفت شديد کارگران روبرو شد و دولت سرانجام طرح خود را پس گرفت. (جنبش وسيع واقعا" کارگري فعالانه در رد قانون کار فعال شدند) در پایان سال ۶۱ دولت پیش نویس قانون کار خود را پس گرفت و عقب نشيني کرد. کشمکش ها بر سر قانون کار تا سال ۱۳۶۹ ادامه داشت. سرانجام در این سال بود که قانون کار جدید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید. در این قانون حق تشکل کارگري به رسمیت شناخته نشد اما مفاد اصل ۳۳ تغيير کرد و پرداخت حق بیمه ي کارگران توسط کارفرما هم به تصویب رسید. در سال ۱۳۷۳ به کارفرمایان حق بستن قرارداد هاي موقت با کارگران داده شد. کارگراني که با این شرایط استخدام مي شدند از هیچ گونه حقوق کاري بر خوردار نبودند. حتی حقوق مندرج در قانون کار نیز به آنها تعلق نمي گرفت. دوران باز سازي برابر بود با بازسازي با خرج کارگران و اقشار محروم جامعه. پس از برخورد شديد دولت با مبارزات کارگري در دوران جنگ و يکي دو سال بعد از آن بار ديگر تعداد اعتراضات و اعتصابات کارگري افزایش یافت. بین دي ماه سال ۶۹ تا اسفند ۷۰ چند اعتصاب مهم انجام گرفت که مهم ترين آنها اعتصاب کارگران نفت بود که در نهایت منجر شد به

افزوده شدن دو هزار تومان به دستمزد ماهانه ي همه ي کارگران و بار دیگر در اواسط دهه ي ۷۰ به بعد تعداد مبارزات کارگري بالا رفت . اين مبارزات به طور کلي داراي دو مشخصه بود . که يکي از آنها کشاندن مبارزات کارگري به خيابان ها بود . کارگران به اين نتيجه رسیده بودند که مبارزات آنها در چارچوب موسسات و کارخانه ها به جايي نمي رسد و براي موثر تر ساختن اعتصاب هاي شان دست به اقدامات راديکال تري زدندمانند بستن جاده ها ، تجمع در مقابل نهاد هاي دولتي ، و تظاهرات تا بتوانند جو جامعه را به اعتراض هايشان جلب کنند و به همين دليل هم از اواسط دهه ي ۷۰ به بعد اخبار کارگري سريع تر انتقال پيدا کرد . مشخصه ي ديگر مبارزات کارگري در اين دوره خواست ايجاد تشکل هاي مستقل و سندیکا هاي کارگري بود . کارکنان شرکت نفت بار ديگر در سال ۱۳۵۷ دست به اعتصاب بزرگي زدند و در جريان اعتصاب نمايندگان خود را از چند شهر انتخاب کردند . علاوه بر خواسته هاي رفاهي ، تقاضا براي تشکل هاي مستقل کارگري را نيز مطرح کردند . اين اعتصاب شديد " سرکوب شد . اما از آنجا که کارگران نفت به دليل کليدي بودن اين صنعت و هم چنين داشتن تاريخچه ي طولاني مبارزات کارگري ، سنتا "تأثير بزرگي بر ساير بخش هاي کارگري داشتند . اين اعتصاب بسياري از کارگران را با ايدۀ ي ايجاد تشکل هاي کارگري آشنا ساخت . در همين دوران که کمیته هايي براي حمايت از ايجاد تشکل هاي مستقل کارگري به وجود آمد و بحث ضرورت به وجود آمدن تشکل هاي مستقلي که بتوانند از خواسته هاي کارگران دفاع کنند در بعضي از مطبوعات کارگري نيز مطرح شد . وقايع دوم خرداد سال ۷۶ راه گشايي بود تا مبارزات کارگري در مسير ديگري بيفتد . يکي از دست آورد هاي اصلي دوم خرداد ايجاد اعتماد به نفس و تقويت خود باوري در ميان کارگران بود که خود را به صورت خواسته هاي مشخص کارگران مانند تشکل هاي کارگري و گفتگو با کارفرمايان براي رسيدگي به مطالبات شان متجلي ساخت . اما علي رغم اين افزايش اعتماد به نفس مبارزات کارگري به دليل عدم وجود يك تشکل سراسري بيشتتر به صورت پراکنده نشان مي دهد . اکنون چند سالي است که هيئتي به نام هيئت موسسان سندیکا هاي کارگري در تلاش است تا تشکيل سندیکا هاي مستقل را قانوني سازد . هيئت موسسان سندیکا هاي کارگري معتقد است که کارگران بايد عضو سندیکا هاي شان بشوند . و از طريق سندیکا به مسائل شان رسيدگي کنند و به همين منظور برنامه هايي براي

آموزش دادن به کارگران در مورد حقوق صنفی شان ترتیب داده است. این هیئت متشکل از هیئت های موسس سندیکا های صنوف مختلف است. از جمله هیئت موسس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و هیئت موسس کفشان تهران. سازمان جهانی کار یا آی ال او نمی تواند شورا های اسلامی را به عنوان نمایندگان مستقل کارگران بپذیرند چون مستقل از دولت نیستند. برابر دو مقاله نامه ی شماره ی ۸۷ و ۹۸ کنوانسیون بین المللی کار که ایران نیز از امضاءکنندگان آن است، طبق این مقاله نامه ها تشکل های کارگری باید آزادانه و مستقل فعالیت کنند و حق اعتراض نیز دارند. یکی از نقاط عطف مبارزات کارگران اتوبوس رانی تهران تاسیس سندیکای کارگران است که در خرداد سال ۱۳۸۴ شمسی مجمع عمومی تشکیل داد و به شکل رسمی تشکیل شد.

مرداد ۱۳۸۵